

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ام ک بادر اکومار
برگردان: شهرام فلاح
۱۹ جنوری ۲۰۲۴

لنینگراد: سالگردی که غرب ترجیح می دهد فراموش شود

یکی از بزرگترین تناقضات جنگ و صلح در دوران معاصر، دروغ هانی است که در همین رابطه می بافند. قطعاً امروز، سالگرد محاصره لنینگراد به مناسبتی تبدیل شده که ایالات متحده و بسیاری از متحدین اروپایی اش ترجیح می دهند آن را به یاد نیاورند. با این حال ارتباط آن با دوره معاصر نیز غیر قابل کتمان است.

لنینگراد: سالگردی که غرب ترجیح می دهد فراموش شود



در هفتاد و پنجمین سالگرد نبردی که طی آن محاصره لنینگراد در جنگ جهانی دوم شکسته شد، مردم در زیر بارش برف به سمت بنای یادبود سرزمین مادری شان می روند تا در گورستان پیسکاریوفسکویه، محل دفن قربانیان، تاج گل بگذارند. سن پترزبورگ، روسیه، ۲۶ جنوری ۲۰۱۹

ده روز دیگر مصادف است با سالگرد رویدادی در تاریخ معاصر که در حافظه مردم روسیه جاودان باقی می ماند. محاصره لنینگراد، شاید وحشتناک ترین قسمت جنگ جهانی دوم، که ۹۰۰ روز طول کشید و سرانجام در ۲۷ جنوری ۱۹۴۴، دقیقاً هشتاد سال پیش، توسط ارتش سرخ شکسته شد.

سه میلیون نفر تحت محاصره قرار گرفتند که تقریباً نیمی از آنان جان باختند؛ بیشترشان در شش ماه اول، هنگامی که دمای هوا به ۳۰ درجه زیر صفر رسید. این یک رویداد آخرالزمانی بود. غیرنظامیان بر اثر گرسنگی، بیماری و سرما

جان خود را از دست دادند. با این حال، این یک پیروزی قهرمانانه بود. اهالی لنینگراد هرگز سعی نکردند تسلیم شوند، حتی اگر جیره غذایی به مخلوطی از چند تکه نان و خاک ااره کاهش پیدا می کرد، ساکنان آن چسب، موش و حتی یکدیگر را می خوردند، در حالی که شهر روزانه بدون آب، برق، سوخت یا حمل و نقل گلوله باران می شد. در ۲۲ جون ۱۹۴۱ بود که ارتش المان از مرزهای روسیه عبور کرد. در عرض شش هفته، گروه شمال ارتش ورماخت، نیروهای مسلح رایش سوم، در پنجاه کیلومتری لنینگراد در پی یک حمله رعدآسای باورنکردنی، ۶۵۰ کیلومتر به عمق خاک شوروی پیشروی کردند.

یک ماه بعد، آلمانی ها کل شهر را محاصره کردند، تنها یک مسیر از طریق دریاچه لادوگا به شرق، لنینگراد را به بقیه روسیه متصل می کرد. اما آلمانی ها به چیزی بیش از این دست نیافتند و ۹۰۰ روز بعد عقب نشینی آن ها آغاز شد. محاصره حماسی لنینگراد، اگرچه طولانی ترین محاصره ای بود که از زمان انجیل بر یک شهر تحمیل می شد اما به همان اندازه نیز شهروندانش قهرمان از آب در آمدند. هنرمندان، موسیقی دانان، نویسندگان، سربازان و ملوانانی که سرسختانه مقاومت کردند و ذره ای از موضع خود عقب نشینی نکردند. نازی ها که از احتمال تسلیم شدن به اتحاد جماهیر شوروی، وحشت زده بودند، ترجیح دادند تا سلاح هایشان را در مقابل نیروهای متحد غربی زمین بگذارند، اما جنرال دوایت آیزنهاور، فرمانده عالی نیروهای اعزامی متفقین در اروپا، دستور داد تا افتخار پیروزی نصیب ارتش سرخ گردد.

یکی از بزرگترین تناقضات جنگ و صلح در دوران معاصر، دروغ هائی است که در همین رابطه می بافند. قطعاً امروز، سالگرد محاصره لنینگراد به مناسبتی تبدیل شده که ایالات متحده و بسیاری از متحدین اروپائی اش ترجیح می دهند آن را به یاد نیاورند. با این حال ارتباط آن با دوره معاصر نیز غیر قابل کتمان است.

هدف رهبر نازی این بود که کل جمعیت لنینگراد را با قحطی اجباری نابود کند. مرگ بر اثر قحطی یک اقدام عمدی از سوی رایش المان بود. به قول یوزف گوبلز، آدولف هیتلر " قصد داشت شهرهائی مانند لنینگراد و سن پترزبورگ را منهدم کند". او در جولای ۱۹۴۱ عنوان کرد که این امر "ضروری" بود، زیرا «اگر می خواهیم روسیه را به قسمت های جداگانه ای تقسیم کنیم، دیگر نباید از یک مرکز معنوی، سیاسی یا اقتصادی برخوردار باشد».

خود هیتلر در سپتامبر ۱۹۴۱ اذعان کرد " «ما در جنگ حاضر هیچ گونه علاقه ای به حفظ حتی بخشی از جمعیت کلان شهرها نداریم». بایستی هر گونه صحبتی راجع به تسلیم شهر رد شود، زیرا ما نمی توانیم مشکل نگهداری و تغذیه مردم را حل کنیم».

به زبان ساده، گذاشتند که جمعیت لنینگراد بر اثر گرسنگی بمیرد درست مانند میلیون ها اسیر جنگی شوروی که توسط ورماخت نگهداری می شدند. یورگ گانز نمولر مؤرخ، بعدها نوشت که این شکل از کشتار جمعی برای برلین مقرون به صرفه بود، زیرا یک «نسل کشی بدون دست زدن به هیچ اقدامی بود».

"نسل کشی با هیچ!" امروز نیز این عبارت دلخراش در مورد «تحریم های جهانی» غرب، با برنامه ای پنهان به منظور «محو روسیه» و ایجاد پنج دولت جدید از قلمرو وسیع دارای منابع حیاتی آن به کار گرفته می شود که می توانند تحت تسلط جهان صنعتی قرار گیرند.

طنز ماجرا این جاست که المان حتی امروز هم در خط مقدم ستراتیژی «نسل کشی در ازای هیچ» برای تضعیف و به زانو درآوردن روسیه قرار گرفته است. دولت بایدن به سه تن از سیاستمداران آلمانی -اورسولا فن در لاین، بوروکرات ارشد اتحادیه اروپا در بروکسل، اولاف شولتس، صدراعظم المان و آنالنا بریوک، وزیر امور خارجه- اتکاء کرده تا تلاش های ناموفقی که تاکنون جهت محو روسیه انجام شده است را افزایش دهد.

جرج سانتایانا، فیلسوف، مقاله نویس، شاعر و رمان نویس اسپانیایی-----امریکائی زمانی اظهار کرد «کسانی که نمی توانند گذشته را به خاطر بیاورند، محکوم به تکرار آن هستند»». این گونه است که راست افراطی رونق می گیرد.

در المان و جاهای دیگر، نسل جوانتر نسبت به تاریخ فاشیسم بی تفاوت می شوند. ایده رایش چهارم وارد دوران شکوفائی بی سابقه ای شده و در حال حاضر مرحله جدیدی از عادی سازی در اروپا را تجربه می کند. تحولات سیاسی پر فراز و نشیب در سراسر جهان غرب زمینه وقوع رویدادهای امروز را مهیا می کنند.

گاوریل روزنفلد، نویسنده رایش چهارم: شبخ نازیسم از جنگ جهانی دوم تاکنون، مؤرخ و استاد تاریخ مطالعات یهودیت، اظهار می کند «تنها راه خاموش کردن آژیر خطر رایش چهارم، اشراف کامل بر تاریخ است. هرچند در دنیای امروز ما که به «حقایق» جعلی و دروغ پراکنی حساب شده آلوده است، ایجاد اجماعی بر حقیقت تاریخی، امری کاملاً دشوار به شمار می آید، با این وجود چاره ای جز پیگیری آن نداریم.»

یک نمونه بارز اقدام فاشیستی توجیه خشونت سیاسی است. در هفته گذشته، ما شاهد یک نمایش نفس گیر در دیوان بین المللی دادگستری ICJ در لاهه بودیم که به ما یادآوری کرد اکنون در مرحله قانونی فاشیسم هستیم. اگر نازی ها بلشویسم یهودی را به عنوان دشمن ساختگی خود معرفی می کردند، اسرائیل نیز همین کار را با برساختن تصویری شیطانی از حماس انجام می دهد. فاشیسم با ادعای روایتی از تحقیر ملی توسط دشمنان داخلی تغذیه می شود.

در این میان، آنچه به فراموشی سپرده شده این است که به مدت چندین دهه جنبش اجتماعی و سیاسی فاشیستی رو به رشدی در اسرائیل وجود داشته است. این جنبش مانند سایر جنبش های فاشیستی، پر از تضادهای داخلی است، اما این جنبش یک رهبر خودکامه کلاسیکی در سمت نخست وزیری -بنیامین نتانیاو- دارد، کسی که آن را شکل داده و قوت بخشیده، و اصرار دارد تا در دوره زمامداری سیاسی خود فاشیسم را عادی سازی کند.

دادگاه لاهه به احتمال زیاد ظرف چند روز آینده، نوعی دستور موقت/ ممنوعیت برای اسرائیل صادر خواهد کرد تا به خشونت علیه فلسطینیان در مانده در غزه، خاتمه دهد. اما جنبش فاشیستی که اکنون نتانیاو رهبری می کند، پیش از او وجود داشته و پس از او هم ادامه خواهد داشت.

این ها نیروهائی هستند که از ایدئولوژی هائی با ریشه های عمیق در تاریخ یهود تغذیه می کنند. ممکن است این طور به نظر برسد که آن ها از گذشته ملی با شکوه و پر افتخار تخیلی خود دفاع می کنند، اما این اشتباه بزرگی است اگر فکر کنیم آن ها نمی توانند در نهایت پیروز شوند.

روس ها این حقیقت تلخ را اکنون در اوکراین با سختی در اوکراین تجربه می کنند، جایی که «نازی زدائی» به ضعیف ترین حلقه عملیات نظامی ویژه آن ها تبدیل شده است. حلقه اتصال ژئوپولتیکی که المان را به نئونازی های اوکراینی در کودتای ۲۰۱۴ کئیف متصل می کند، به وضوح قابل ردیابی است، امری که امریکا آن را به ارث برد و رهایش نکرد.

۱۶ جنوری ۲۰۲۴

لینک مطلب:

<https://www.indianpunchline.com/an-anniversary-west-would-rather-forget/>